نگاه

کدام وزیر منتخب حسابداران رسمی خواهد بود

● **غلامحسین دوانی***: جامعه حسابداران رسمی ایران که مولود ماده واحده مصوبه ۱۳۷۲ است در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و درحال‌حاضر بیش از ۱۵هزار نفر در مؤسسات حسابرسی کشور مشغول کار هستند. برخی مؤسسات حسابرسی کشور با سرمایه یک میلیارد ریالی نزدیک به ۳۰۰ نفر را به خدمت گرفته‌اند که عموما دارای مدرک تحصیلی لیسانس به بالا هستند. این مؤسسات قادر به استفاده از امکانات دولتی و بانکی نیستند و نخواهند بود، درحالی‌که برخی از آقازاده‌ها برای راه‌اندازی یک دفتر اداری و یک شرکت کاغذی از میلیاردها تومان تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اند، مؤسسات حسابرسی بدون چشمداشت به منابع مالی کشور، علاوه بر ارائه خدمات اطمینان‌بخش و شفاف‌سازی، در تأمین معیشت زندگی بیش از صدها خانوار مشارکت دارند. وزرای امور اقتصادی و دارایی تاکنون نیز جامعه حسابداران رسمی را مانند شرکت‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها به‌صورت حیاط‌خلوت بازنشستگان دولتی و وزارتخانه‌ها نگاه کرده و از صدقه‌سر حسابداران رسمی به کسانی حقوق و مزایای بالای ۱۰ میلیون تومان می‌دهند که حداکثر حقوق بازنشستگی آنان شش میلیون ریال بوده است!

درحالی‌که چندین سال است با مطالبه غیرمالی و بدون هزینه جامعه حرفه‌ای حسابداری کشور مبنی بر «نام‌گذاری یک روز خاص به‌عنوان روز حسابدار» (مشابه همه دنیا) مخالفت شده، اما هر روزه نهادهای مسئول، روز و مکانی را به مناسبتی نام‌گذاری می‌کنند. به‌علاوه همه‌ساله بیش از ۴۵۰هزار دانشجو در رشته‌های حسابداری در دانشگاه‌های کشور مشغول تحصیل هستند و بیش از ۱.۵ میلیون نفر به شکل‌های مختلف در واحدهای حسابداری وزارتخانه‌ها، مؤسسات و بنگاه‌های خصوصی اشتغال دارند و صف منتظران کار حسابداری هر روز طولانی‌تر می‌شود. هیچ وزیر اقتصادی در اندیشه تحول در جامعه حسابداران رسمی برنیامده که هیچ نسبت به محدودسازی ظرفیت این جامعه و تبدیل آن به حیاط‌خلوت وزارتخانه، همه کوشش خود را کرده است، درحالی‌که حسابداران رسمی نگران تداوم فعالیت خود و مؤسسات حسابرسی تأمین‌کننده معیشت زندگی حسابداران هستند. هر روز وزرای محترم با مصوبه‌هایی در توسعه حسابرسی بخش دولتی و عمومی از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند؟!

ما را چه می‌شود؟

جامعه حسابداری ایران وزارت امور اقتصادی و دارایی را متولی این حرفه می‌داند؛ بنابراین بیشترین انتظارات را از این وزارتخانه و شخص وزیر داشته و دارد. نمی‌توان هنگام انتخابات با شعار مردم‌سالاری به آرای مردم و جامعه حسابداری کشور (به‌عنوان بخشی از مردم) دست یافت و بعد از انتخابات به خواسته برحق این بخش از جامعه که همانا توسعه و اعتلای حرفه حسابرسی، پاسخ‌گویی و شفاف‌سازی است، پشت کرد؟! چرا دولت به خود حق داده به هر نهاد دولتی و عمومی‌ای مجوز مؤسسه حسابرسی فراقانونی بدهد. این مؤسسات از یک طرف خود را عضو جامعه حسابداران رسمی نمی‌دانند، اما همه کوشش و تقلای خود را برای کنترل جامعه حسابداران و انتخاب اعضای شورای عالی همسو با خود به کار می‌برند. چرا بزرگ‌ترین نهاد حسابرسی دولتی به ضرب و زور قانون از یک طرف خود را بخش موازی جامعه حسابداران رسمی دانسته، اما به هیچ رکن مردمی‌ای پاسخ‌گو نیست؟! بنابراین اولین برنامه وزیر منتخب امور اقتصادی در حوزه حرفه حسابداری جلوگیری از دخالت حسابرسان دولتی در انتخابات جامعه حسابداران رسمی به‌عنوان امین ناظر ملت در امور مالی است. حرفه حسابداری در بحبوحه فعلی وزیری را شایسته منصب وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌داند که علاوه بر شایستگی‌هایی نظیر توانایی علمی، مدیریت و پاک‌دستی بتواند به خواسته برحق این حرفه که همانا استقلال در عمل است، جامه عمل بپوشاند. این امر جز از طریق اصلاح اساسنامه جامعه و اصلاح ارکان دولت منصوب آن میسر نخواهد بود. وزیر شایسته از دیدگاه حسابداران رسمی باید بتواند با ارائه قانون جامع حرفه حسابداری و حسابرسی برای حمایت از استقلال حرفه، شفاف‌سازی و... موفق عمل کند. در این راستا توصیه ما به نمایندگان مجلس آن است که به وزیری برای امور اقتصادی و دارایی رأی بدهند که در برنامه پیشنهادی‌اش حداقل موارد زیر در نظر گرفته شده باشد:

- تدوین نظام جامع حسابداری و حسابرسی و ارائه قانون جامع حسابداری و حسابرسی به مجلس در راستای تفکیک وظایف استانداردگذاری و عملیات اجرائی حسابرسی دولتی سازمان حسابرسی
- توسعه فرایند اجرائی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری به‌منظور هم‌سانی با بازارهای جهانی
- برقراری نظام حسابداری تعهدی در سازمان‌های دولتی واجد شرایط
- استقرار پایانه حسابرسی عملیاتی در مؤسسات و سازمان‌های دولتی
- بازنگری اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران در جهت توسعه حرفه حسابرسی کشور
- ارائه گزارش حسابرسی عملکرد سازمان مالیاتی کشور به ملت
- اجرائی‌کردن ماده «۲۷۲» قانون مالیات‌های مستقیم و ماده «۲۷» قانون ارزش افزوده در استفاده از خدمات اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران

***حسابدار رسمی**

آیا بازار سرمایه می‌تواند به خروج از مشکلات بانک‌ها کمک کند؟

حمیدرضا پورسلیمی . پژوهشگر اقتصادی

در وضعیتی که یکی از مشکلات اصلی اقتصاد بانک‌محور کشور کمبود نقدینگی است، همه انتقادات به سمت بانک‌های کشور نشانه رفته و تلاش برای احیای آنها برای نقش‌آفرینی بهتر در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی است. با این همه، مشکل کمبود نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی کشور، مشکل خود بانک‌ها نیز هست به طوری که آنها نه تنها از ارائه تسهیلات مناسب به بنگاه‌ها ناتوان هستند که برای هزینه‌ها و تعهدات مالی خود نیز دچار مشکل شده و بخشی از هزینه‌های خود را از محل اصل سپرده‌های بانکی که از طریق ارائه سودهای بالا جذب کرده‌اند، تأمین می‌کنند. از این رو، ترازنامه تعدادی از بانک‌های کشور در سال‌های اخیر (که وارد بازی رقابتی جذب سپرده با سود بالاتر و ماندگاری کوتاه‌تر شده‌اند)، نشان از منفی‌شدن سهم شراکت بانک‌ها از درآمد مشاع خود دارد؛ یعنی پرداخت سود مشتریان نه از محل درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری این سپرده‌ها که از جذب سپرده‌های جدید؛ درست مانند ماری که از گرسنگی شروع به خوردن دُم خود می‌کند. یک بخش از این معضل جدی بانک‌ها ناشی از آن ست که عمده دارایی آنها در شرایطی گرفتار آمده که به‌رغم شناسایی درآمد برای آن، در عمل سود و درآمدی ایجاد نکرده و اصل دارایی بانک نیز دچار انجماد مالی شده است. بخشی از دارایی بانک‌ها به صورت مطالبات از دولت است (که با وجود ضمانت بازگشت اصل آن)، در این شرایط پرمخاطره، از دسترس بانک‌ها خارج است. بخشی دیگر از دارایی آنها در قالب املاک و ساختمان‌هایی است که در سال‌های پیش (که این بازار رونق بسیار خوبی داشت)، بخشی از منابع آنها را جذب خود کرده و در رکود چندساله اخیر بازار مسکن، نه تنها دچار کاهش ارزش شده و بازدهی برای بانک‌ها نداشته که امکان نقدینگی فوری آن نیز وجود ندارد. بخش عمده دیگری از دارایی بانک‌ها به صورت مطالباتی‌ست که از اشخاص حقیقی و حقوقی وجود دارد و در واقع تسهیلاتی است که به آنها داده شده، ولی به طور میانگین ۱۰ درصد از این مطالبات به صورت مطالبات غیرجاری بانک‌ها درآمده است. با توجه به این شرایط، برخی نظر به استفاده از ابزار تبدیل دارایی بانک‌ها به اوراق بهادار و فروش آن در بازار سرمایه دارند تا با آزادسازی جریان نقد این دارایی‌ها، بتوان مشکل نقدینگی بانک‌ها در مرحله اول و در مرحله بعد بنگاه‌های اقتصادی را حل کرد.

اوراق بهادار با پشتوانه دارایی ABS و اوراق بهادار با پشتوانه وام رهنیMBS، از جمله مهم‌ترین محصولات این بازار است. پس از جنگ جهانی دوم، با افزایش تقاضای خرید مسکن، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری با تقاضای فراوانی برای وام مسکن روبه‌رو شدند. از این‌رو، کوشش فراوانی صورت گرفت تا منابع مالی بیشتری جذب و از این راه، تسهیلات بیشتری نیز اعطا شود. در آن زمان، تأمین مالی این وام‌ها عمدتا از محل سپرده‌ها بود. بنابراین منابع تأمین مالی بانک‌ها به همین مورد محدود می‌شد. از این‌رو، بانک‌ها (به‌ویژه بانک‌های آمریکایی) برای تأمین مالی به بازار سرمایه و بازار رهن ثانویه رو آوردند و از ابزارهای مالی جدید برای تأمین مالی استفاده کردند. اوراق بهادار با پشتوانه وام‌های رهنی یکی از مهم‌ترین این ابزارها بود. این اوراق بعدتر در قالب ساختاریافته‌تر برای توجه به ریسک نوع دارایی یا بدهی پشتوانه این اوراق، با طراحی پیچیده‌تری به صورت تعهدات رهنی وثیقه‌دار CMO و تعهدات بدهی وثیقه‌دار CMD

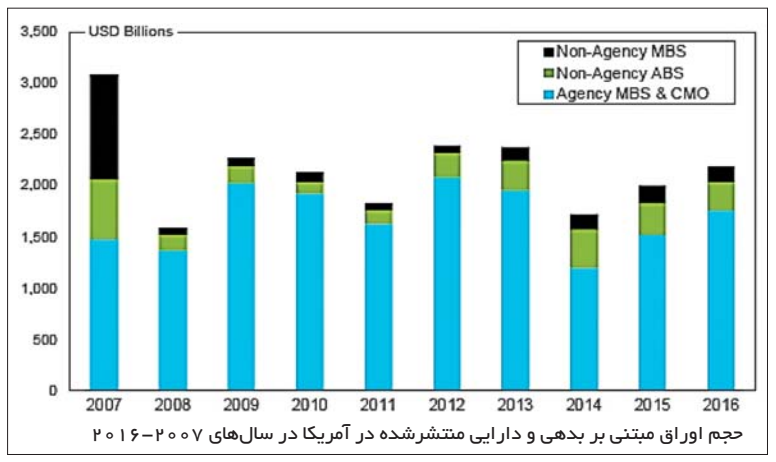

حجم اوراق مبتنی بر بدهی و دارایی منتشرشده در آمریکا در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۶

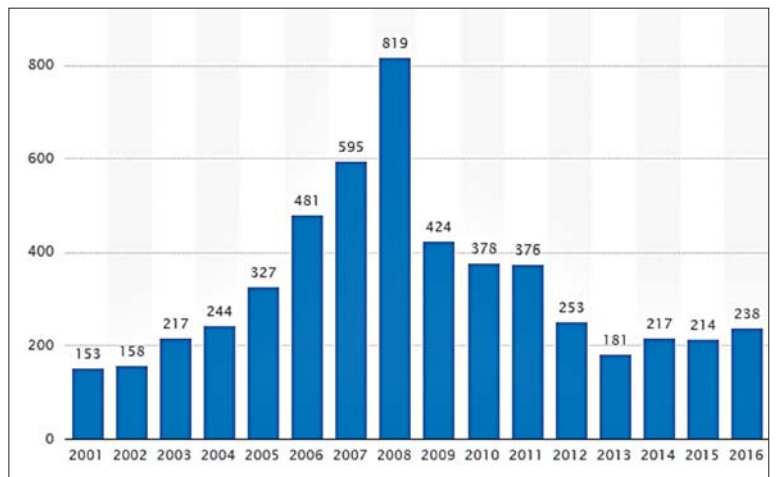

حجم اوراق مبتنی بر بدهی و دارایی منتشرشده در اروپا در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۶

درآمد. این ابزارهای مالی برای سال‌ها مشکل نقدینگی بانک‌ها را حل کرده و توان مالی آنها را برای ارائه تسهیلات جدید حفظ می‌کرد. اگرچه بحران مالی سال ۲۰۰۷، اعتبار این ابزارهای مالی را دچار آسیب کرد و اقبال به آنها کاهش یافت.

همان‌طور که در نمودارها مشاهده می‌شود، بازار این اوراق هم در اروپا و هم در آمریکا در سال‌های پس از بحران دچار رکود شدید شده است. با این تفاوت که عملکرد بانک‌های اروپا در مورد این ابزار مالی حتی در سال‌های پیش از بحران نیز مثبت بوده و کاهش استفاده از آن از سال ۲۰۰۸ به حدود یک‌چهارم، ناشی از آسیب‌دیدن اعتبار این ابزار مالی در بازار آمریکا بوده است. در واقع ضعف‌ها و ریسک‌های این ابزارهای تبدیل دارایی و بدهی بانک‌ها به اوراق بهادار در آمریکا، به نوعی خود را بروز داد که موجب نگرانی سرمایه‌گذاران و بانک‌های اروپایی در استفاده از آنها شد. ولی این کم‌اقبالی سال‌های اخیر موجب شد از سال ۲۰۱۴، مسئولان بانک مرکزی اروپا ECB و بانک انگلستان به دنبال احیای جدی این بازار باشند. مزایای این بازار از جمله تبدیل درآمدهای آتی بانک‌ها به حال، افزایش شاخص کفایت سرمایه بانک‌ها، کاهش اتکای بانک‌ها به بانک مرکزی، توزیع و انتقال بخشی از ریسک دارایی بانک‌ها با سایر سرمایه‌گذاران، متنوع‌کردن منابع تجهیز مالی بانک و کاهش ریسک سیستماتیک اتکای صرف آنها به سپرده اشخاص، کاهش هزینه‌های مالی بانک‌ها و افزایش سودآوری آنها و در نهایت کمکی که بانک‌ها از این طریق به سایر بنگاه‌های اقتصادی (از طریق کاهش وابستگی ارائه تسهیلات به آنها به سیکل‌های تجاری) با ارائه تسهیلات می‌کردند، در مجموع موجب علاقه سیاست‌گذاران بخش پولی اتحادیه اروپا برای بازسازی اعتبار این بازار مالی بود. اینکه چرا بازار تبدیل دارایی‌های بانک‌ها به اوراق بهادار در سال‌های پس از بحران دچار رکود شد عمدتا به سخت‌گیری قوانین نظارتی در سال‌های پس از ۲۰۰۸ برمی‌گشت و بخشی دیگر ناشی از نگرانی و احتیاط سرمایه‌گذارانی بود که بخشی از سرمایه خود را به این بازار اختصاص داده بودند. تجربه اروپا به عنوان یک نمونه موفق طراحی و بهره‌مندی از ابزارهای مالی برای تبدیل دارایی‌های خود در سال‌های پیش از بحران مالی از یک سو و احتیاط بانک‌های اروپایی و نهاد ناظر بر آنها در سال‌های پس از بحران (به‌رغم موفقیت اولیه) می‌تواند از چند جهت برای علاقه امروز سیاست‌گذاران ما جهت تقویت این بازار تأمین مالی، مورد توجه قرار گیرد.

برخلاف آمریکا که دولت آن پیش از بحران نیمی از اوراق و پس از آن بیش از ۸۰ درصد از اصل و بهره آنها را تضمین می‌کرد، عمده اوراق منتشرشده در اروپا از چنین تضمینی برخوردار نبود و در واقع سرمایه‌گذاران وضعیت مشخص و روشنی را از ریسک سرمایه‌گذاری خود متصور بودند. حتی در آمریکا نیز، اوراق تضمین‌شده از سوی نهادهای دولتی از سایر اوراق قابل تمایز است. علاوه بر آن، شرکت‌هایی وجود دارد که بر مبنای اطلاعات شفاف و استاندارد بانک‌ها به رتبه‌بندی و اعتبار سنجی در این بازار اقدام می‌کنند. اشتباهاتی که برخی از این شرکت‌های اعتبارسنجی در مورد بخشی از اوراق با پشتوانه وام‌های رهنی در آمریکا مرتکب شدند، موجب ضرورت تجدیدنظر این سیستم شد و ارزیابی‌های اعتباری با دقت و سختگیری بیشتری صورت می‌گیرد. در کنار این مسئله، قوانین ناظر بر فعالیت‌های بانکی نیز به صورت ویژه مورد بازنگری قرار گرفته است. در حالی که هنوز یک سال از اجرای مقررات بال۲ نمی‌گذشت، وقوع بحران مالی موجب شد تا با توجه به تشدید فعالیت‌های غیر متداول برخی بانک‌ها، استانداردهای نظارت بر فعالیت‌های بانکی مجددا مورد بررسی قرار گیرد و بر میزان سختگیری آنها افزود شود که در نهایت به تصویب مقررات بال۳ انجامید.

در مقایسه با بانک‌های اروپایی، نیاز است چند نکته برای استفاده از ابزارهای بازار سرمایه جهت تبدیل دارایی بانک‌های ایران، مورد توجه قرار گیرد. اول آنکه کدام بخش از دارایی بانک‌ها امکان نقدشوندگی با استفاده از این ابزار مالی را دارد؟ برای مثال اگر مطالبات بانک‌ها از دولت در قالب این اوراق عرضه شود، آیا بر اشتهای دولت در استفاده بیشتر از منابع بانکی افزوده نمی‌شود به‌طوری‌که مجددا منابع نقد حاصل از این بازار نه از سوی خود بانک‌ها که به دست دولت جذب و مصرف شود؟ اگر قرار است آن بخش از دارایی بانک‌ها که در قالب تسهیلات به مشتریان خود ارائه داده‌اند، تبدیل به اوراق بهادار شود، ضمانت این اوراق چه خواهد بود؟ این سؤال از این جهت اهمیت دارد که خود بانک‌ها نیز عمدتا نه از وثایق این تسهیلات اطمینان کافی دارند و نه از سازوکار درستی برای اعتبارسنجی مشتریان این تسهیلات استفاده کرده‌اند و اصلا فقدان شرکت‌های معتبر اعتبارسنجی در کشور، خود یک نقیصه دیگر در این رابطه است. علاوه بر آن، نقش نهاد ناظر بانک مرکزی در مورد ضمانت یا دخالت‌نکردن در این فعالیت غیر متداول بانکی نیز نامشخص خواهد بود. در حالی که بانک مرکزی حتی از تبیین نقش خود در مورد ضمانت سپرده‌های بانکی عموم مردم ناتوان است و تصور عمومی بر این مبناست که ریسک نکول این سپرده‌ها باید از جانب بانک مرکزی تضمین شود، در مورد یک فعالیت بسیار پرریسک‌تر و غیرمتداول‌تر بانکی، بانک مرکزی از چه جایگاهی برخوردار خواهد بود؟ موضوع دیگر ابهام در مورد سرنوشت نقدینگی فرضی ایجادشده از این بازار برای بانک‌ها در ساختار فعالیت غیرشفاف و توأم با فساد آنهاست؛ در واقع در شرایطی که تاکنون بخش عمده‌ای از نقدینگی بانک‌ها در ساختار مدیریتی فعلی دچار تباهی شده است، تداوم این ساختار آیا می‌تواند تضمین کند که استفاده از ابزارهای مالی، توان تسهیلات‌دهی به بنگاه‌های مولد اقتصاد کشور را فراهم کند و دریچه تأمین مالی فعالیت‌های غیرمولد و وام‌دهی بدون ضابطه بانک‌ها نشود؟ به طوری‌که بانک‌ها از یک سو بخشی از دارایی‌های مناسب خود را از طریق اوراق بهادار سازی تبدیل و از ترازنامه خود خارج کنند و از سوی دیگر با وام‌دهی بدون ضابطه، بخش مطالبات غیرجاری خود را افزایش دهند؟ در مجموع، می‌توان نگرانی‌های مربوط به ورود بانک‌ها به فعالیت‌های غیرمتداول این‌چنینی را از دو جهت پیش‌زمینه‌ها و زیرساخت لازم این فعالیت از یک سو و از سوی دیگر نحوه مدیریت نقدینگی حاصل از آن، مورد توجه قرار داد. در غیر این صورت، ابزاری که در مورد بانک‌های اروپایی و آمریکایی نیز منشأ بحران بوده، در مورد بانک‌های ایران لزوما راهگشا نخواهد بود.

ادامه از صفحه ۵

قیمت بنزین چالش دولت دوازدهم

باوجود این انتقادات؛ شاید بتوان واقعی‌ترشدن قیمت بنزین در داخل کشور را یکی از معدود ثمرات اجرای سیاست‌هایی دانست که به‌دلیل غیرفنی‌بودنِ هدف و برنامه، اقتصاد کشور را در معرض آسیب‌های جدی‌تری قرار داده است.

بر اساس آمار منتشرشده از سوی وزارت نفت، میزان مصرف متوسط روزانه بنزین در سال ۱۳۸۴ حدود ۶۷ میلیون لیتر بود که در پایان سال ۱۳۹۲ این میزان مصرف صرفا با یک‌میلیون لیتر افزایش به حدود ۶۸میلیون لیتر و در سال ۱۳۹۳ نیز با افزایش دومیلیون لیتری به حدود ۷۰ میلیون لیتر در روز افزایش یافت.

اگرچه دلایل متعددی برای کنترل مصرف بنزین در این سال‌ها شمرده شده است، اما بدون‌شک یکی از مهم‌ترین دلایل، «به‌کارگیری قیمت» به‌عنوان «ابزار کنترل مصرف» بوده است؛ ابزاری که پس از تثبیت قیمت این فراورده در سال ۱۳۹۴ عملا بلاموضوع و به یکی از عوامل رشد مصرف بنزین در کشور تبدیل شد؛ مصرفی که امروز به حدود ۸۰ میلیون در روز رسیده است.

در این شرایط بررسی این موضوع که رویکرد دولت دوازدهم در مواجهه با مقوله بنزین و تعیین قیمت در کنار مدیریت بر مصرف آن چگونه است، از سؤالات اساسی و ابهاماتی است که به‌مرور زمان پاسخش یافت می‌شود.

برای شفاف‌شدن تحلیل قیمتی بنزین، شاید بررسی قیمت فوب خلیج‌فارس این فراورده نفتی درک درستی از موقعیت دولت به دست دهد.

بر اساس آخرین گزارشات منتشرشده ماه آگوست سال ۲۰۱۷ در نشریه پلاتس، درحال‌حاضر قیمت هر لیتر بنزین فوب خلیج‌فارس حدودا بین ۳۰ تا ۳۵ درصد بالاتر از قیمت کنونی کشور است.

این قیمت حاکی از آن است که دولت دوازدهم درصورتی‌که طرحی برای تعدیل (افزایش) قیمت بنزین بر اساس قیمت فوب خلیج‌فارس تدارک ببیند، حداکثر قدرت مانورش مبلغی در حدود ۱۵۰ تومان به‌ازای هر لیتر بنزین با اکتان ۹۵ است.

اما طرح ایجاد تناسب یا تطبیق قیمت داخلی بنزین با قیمت جهانی یا قیمت فوب خلیج‌فارس در شرایطی منطقی است که دولت اساسا هدفی بلندمدت برای آزادسازی قیمت این کالای استراتژیک تدوین کرده باشد. بدون تدوین چنین برنامه‌ای (که قطعا نمی‌تواند فقط بر ابعاد اقتصادی تکیه کند) استفاده از قیمت فوب خلیج‌فارس بنزین راه‌حل مناسبی برای قیمت‌گذاری بنزین به نظر نمی‌رسد.

درواقع باید اذعان کرد که با توجه به محدودیت عایدی نقدی دولت از محل فروش فراورده‌های نفتی و افزایش روزافزون تقاضا برای بنزین، افزایش قیمت این فراورده نفتی در چهار سال آینده از تصمیمات محتوم دولت خواهد بود؛ اما چگونگی قیمت‌گذاری، به‌نحوی‌که هم متضمن کنترل سطح عمومی قیمت‌ها بوده، هم مغایرت عمده‌ای با سیاست‌های چندسال اخیر نداشته باشد و همچنین به مدیریت مصرف این کالای استراتژیک کمک کند، مسئله‌ای است که نیازمند کارشناسی و بررسی همه‌جانبه است.

***کارشناس صنایع پایین‌دستی نفت**

ادامه از صفحه ۵

ضرورت حمایت از تولیدات فکری

به بیان دیگر، در سایر کشورها علاوه بر شرکت‌های دانش‌بنیان، منابع مردمی هم در این توسعه نقش دارند؛ یعنی بخشی از منابع خیرین به سمت توسعه علم و فناوری اختصاص می‌یابد. بنابراین فعالیتی در صندوق آغاز شده تا سرمایه‌گذاری خیرین علاوه بر کمک به امور مدرسه‌سازی، ساخت دانشکده و خوابگاه، به حمایت از ایده‌ها، نوآوری و خلاقیت هم تعلق گیرد. تولیدات فکری در ابتدا ملموس نیستند؛ اما وقتی آمار این تولیدات را در دنیا دنبال می‌کنیم، متوجه می‌شویم ارزش آن در جهان ۲۱ هزار میلیارد دلار است. در همین راستا، یکی از خیرین با اختصاص مبلغی معادل ۱۰ میلیارد ریال، از کرسی پژوهشی ۱۰ساله حمایت کرد». «ضرغام» با بیان اینکه البته فعالیت‌های زیادی در این زمینه انجام نشده است، گفت: «باید آغازی رو به گسترش داشته باشیم. در این راستا، بنیاد حامیان پژوهش و فناوری که با همکاری صندوق تأسیس‌شده است، موضوع حمایت‌های خیرین را از ایده و افکار مطرح کرد. البته در اینجا فقط هدف کمک‌گرفتن از خیرین نبوده، بلکه کمک به فرهنگ حمایت از تولیدات فکری بوده که یک شاخص فرهیختگی در جهان امروز محسوب می‌شود». او همچنین بیان کرد: «منابع زمینی و طبیعی تنها ثروت این کشور نیستند، بلکه بالاترین ثروت ما نیروی جوان و استعدادهای آنها هستند. به همین دلیل نیز نهادهایی مانند صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران معاونت ملی و بنیاد ملی نخبگان ایجاد شدند تا این ثروت‌های خدادادی را بهتر بشناسیم و از آنها در راستای توسعه اقتصادی استفاده کنیم. در واقع این جشنواره، آغاز فرهنگ‌سازی در زمینه حمایت از اندیشه و تولیدات فکری است و ارزش آن در این است که مردم و خیرین نیز در آن مشارکت می‌کنند». در بخش بعدی این نشست، «ابراهیم جمیلی» با بیان اینکه تلاش می‌کنیم با برگزاری جشنواره، اهمیت علوم پایه را نشان دهیم، گفت: «در این صورت، زمینه‌ای برای بروز خلاقیت و نوآوری ایجاد می‌شود و در واقع این جشنواره بهانه خوبی برای تولیدات فکری است. این جشنواره از سال‌های بعد، به صورت بین‌المللی برگزار می‌شود و به‌وسیله آن، حرکتی در حوزه علوم پایه و زیستی آغاز شده که در آینده‌ای نه‌چندان دور، اعتباری را برای کشور رقم می‌زند». او با بیان اینکه ایده‌ها و طرح‌های نوآورانه می‌توانند از سوی دانشگاه‌ها و مراکز مختلف علمی به دبیرخانه این جشنواره ارسال شوند، افزود: «بر اساس استانداردها، به طرح‌ها و پژوهش‌های برتر جوایزی اعطا می‌شود». «جمیلی» با تأکید بر اینکه از ایده‌ها و طرح‌های ارائه‌شده در راستای اجرائی و عملی‌شدن حمایت می‌شود، افزود: «در واقع طرح‌هایی که قابلیت اجرائی‌شدن دارند، به‌عنوان برترین طرح‌ها انتخاب می‌شوند تا با حمایت‌هایی که صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران از آنها می‌کند، به نتیجه برسند». او با تأکید بر اینکه همچنین قرار است فرابورس به این جشنواره ورود پیدا کند، خاطرنشان کرد: «این موضوع می‌تواند در راستای تجاری‌سازی طرح‌های برتر مؤثر واقع شود». «جمیلی» افزود: «حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، از دیگر برنامه‌های این جشنواره است تا جوانان ایده‌های خود را در بازار سرمایه ارائه کنند». گفتنی است این جشنواره هشتم آذر سال جاری برگزار می‌شود و علاقه‌مندان تا ۲۶ آبان برای ارسال ایده‌های خود فرصت دارند.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص)

آگهی مزایده عمومی فروش پنج گروه اجناس و ماشین آلات اسقاطی و مازاد شماره ۹۵/۰۱

نوبت دوم

شماره مجوز ۱۳۹۶/۲۲۲۶

شرکت پایانه های نفتی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد پنج گروه اجناس و ماشین آلات اسقاطی و مازاد موجود در انبار مازاد خود واقع در جزیره خارگ را به شرح ذیل از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

گروه اول : تعداد ۳۷۴ قلم قطعات یدکی ومازاد قیمت پایه : ۱.۲۶۵.۵۷۳.۰۰۰ ریال
مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۷۰.۰۰۰.۰۰۰ (هفتاد میلیون) ریال
گروه دوم : تعداد ۴۰۳ قلم اجناس غیرصنعتی اسقاط و از رده خارج قیمت پایه : ۱.۱۵۰.۱۹۴.۶۵۰ریال
مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۶۰.۰۰۰.۰۰۰ (شصت میلیون) ریال
گروه سوم : تعداد ۱۸۵ قلم اجناس صنعتی اسقاط و از رده خارج قیمت پایه : ۳.۲۱۳.۱۸۱.۰۰۰ ریال
مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۱۷۰.۰۰۰.۰۰۰ (صد و هفتاد میلیون) ریال
گروه چهارم : کابل اسقاط به وزن تقریبی ۱۱۱۹۶۰ کیلوگرم قیمت پایه ۴.۸۴۷.۸۶۸.۰۰۰ ریال
مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۲۵۰.۰۰۰.۰۰۰ (دویست و پنجاه میلیون) ریال
گروه پنجم : ۶ دستگاه ماشین آلات قیمت پایه ۳۷۹.۵۵۰.۰۰۰ ریال
مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۳۰.۰۰۰.۰۰۰ (سی میلیون) ریال

مطابق با تضمین های مندرج در ماده ۵ آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ مصوب هیات محترم وزیران علاقمندان به شرکت در مزایده می توانند جهت خرید اسناد با پرداخت مبلغ ۲۰۰.۰۰۰ (دویست هزار) ریال به حساب ۰۱۰۹۴۴۸۱۹۱۰۰۵ بانک ملی شعبه مرکزی خارگ به نام شرکت پایانه های نفتی ایران سه روز پس از تاریخ چاپ نوبت دوم آگهی به مدت ۱۰ روز به استثنای روزهای پنجشنبه ، جمعه و ایام تعطیل رسمی در وقت اداری از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۶ بعد از ظهر با در دست داشتن فیش واریزی ، اصل و تصویر صفحه اول شناسنامه و کارت ملی ، برای دریافت اسناد شرکت در مزایده به یکی از نشانی های ذیل مراجعه نمایند .

در هنگام واریز مبلغ فوق جهت خرید اسناد مزایده ضروری است به موارد ذیل توجه گردد:

۱- اشخاص حقوقی می بایست فیش واریزی را به نام شخصیت حقوقی واریز نماید و تحویل اسناد مزایده با ارائه معرفی نامه به نماینده آنها انجام خواهد شد .
۲- امکان تعویض و جابجایی فیش های واریزی در طول مزایده وجود نداشته و اسناد مزایده فقط به نام واریزکننده فیش تحویل خواهد گردید.

تهران : میدان آرژانتین- اول خیابان بیهقی - رو بروی فروشگاه شهروند - ساختمان مرکزی یازدهم شرکت ملی نفت ایران - پلاک ۲۸ - شرکت پایانه های نفتی ایران مدیریت امور بازرگانی (طبقه اول)- تلفن ۸۸۵۳۶۲۰۱-۰۲۱ و ۸۸۵۳۶۲۰۵-۰۲۱

جزیره خارگ : شرکت پایانه های نفتی ایران - ساختمان ادارات ستادی- طبقه اول- اداره ارزیابی و فروش کالا و خدمات تلفن و دورنگار : ۰۷۷۳۳۸۲۵۲۲۴

بوشهر : بزرگراه طالقانی - بلوار صدرا - اسکله شرکت ملی نفت فلات قاره - شرکت پایانه های نفتی ایران- اداره تدارکات و امور کالای بوشهر تلفن : ۰۷۷۳۳۵۵۳۷۳۱

روابط عمومی شرکت پایانه های نفتی ایران